

# علیه سرمایه

نشریه کارگران ضد سرمایه داری  
شماره ۲۰، بهمن ۹۶

جنبش کارگری ایران دردی ماه ۱۳۹۶

ترس از سوریه ای شدن!!

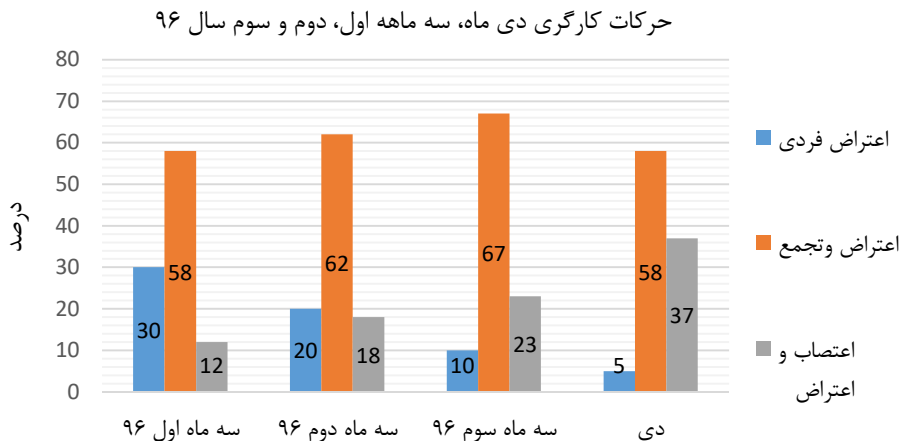
درس های از خیزش آذر ۹۶

درباره خیزش دی ماه کارگران



## جنبش کارگری ایران در دی ماه ۱۳۹۶

دی ماه امسال اوج طوفان مبارزه طبقه کارگر ایران در خیابان‌ها و محلات بود و کارگران در خیابان‌های شهرهای مختلف صحنه‌هایی حماسی آفریدند. اما مبارزه کارگران درون کارخانه‌ها و موسسات حوزه‌های پیش ریز سرمایه نیز در این ماه هم چنان مانند گذشته و حتی شدیدتر ادامه داشت. اوج گرفتن اعتصاب در این ماه نسبت به سایر حرکات کارگری که در رقم ۳۷ درصد نشان داده شده، ۳۶ اعتصاب را شامل می‌شود که در دو سال گذشته بی‌نظیر بوده است. این در حالی است که در هفت روز طوفانی اعتراضات خیابانی هیچ گزارشی از هیچ اعتصابی داده نشده است.



با وجودی که رژیم تا دندان مسلح سرمایه تمامی تلاش خود را کرد که نه تنها هیچ اعتصابی صورت نگیرد بلکه اعتصابات با شورش توده‌های کارگر بیکار و گرسنه که به خیابان‌ها آمده‌اند، پیوند نخورد. اما نبرد کارگران در عرصه کار همچنان ادامه داشت. فقدان گزارش در این مدت به معنی سکوت کارگران درون موسسات سرمایه نبوده است. بلکه برعکس در این مدت اعتصابات به وقوع پیوسته که برخی از مهم‌ترین آنها را که در کارخانه‌های بزرگ رخ داده‌اند می‌توان ذکر کرد: کارگران مجتمع نی‌شکر هفت تپه، فازهای ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی، شرکت کشت و صنعت آستان قدس در مشهد، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، کارگران شرکت پیمانکاری «تراورس» در خطوط راه‌آهن شمال شرق و کارگران نیروگاه یزد. همانگونه که می‌بینیم مبارزات کارگران در مراکز تولید و کار در این ماه نه تنها کاهش نداشت بلکه از شدت و حدت بیشتری برخوردار بود. اما چگونه است که تأثیرات متقابل این دو یعنی جنبش کارگری در مراکز کار و تولید و کارگران معترض در خیابان‌ها کم و ناچیز است. ما به این مسئله کمی پائین‌تر خواهیم پرداخت اما قبل از این ابتدا به سراغ طوفان اعتراضات خیابانی توده‌های کارگر گرسنه، بیکار و بی‌خانمان برویم. از ارقام فوق که بگذریم تمامی گزارشات نشان می‌دهد که توده عظیمی از کارگران با تجمع و تظاهرات بر علیه گرانی، گرسنگی، بیکاری، و ستم طبقاتی رژیم اسلامی سرمایه در ایران به خیابان‌ها آمدند و فریاد خشم خود را در طول هفت روز پر فراز و نشیب سردادند. در این مدت کوتاه طبق گزارشات مقامات سرمایه در ایران ۵۹۵ تظاهرات در ۹۱ شهر صورت گرفت. این‌ها شامل شهرهای بزرگ تا شهرستان‌های کوچکی بود که تا مقطع تظاهرات کمتر کسی از وجودشان با خبر بود و نامشان برای نخستین بار شنیده می‌شد. در کمتر از یک هفته دامنه اعتراضات از چند شهر در استان خراسان به سراسر ایران گسترش یافت. توده‌های کارگر شهرها ستون فقرات این اعتراضات بودند. نیروی جوان کارگری و فرزندان خانواده‌های کارگر سلسله جنبان، انتشار دهنده و پیش برنده آن بودند. این جنبش دست رد بر سینه همه کسان، رهبران و سازمان‌های مدعی العمومی زد که در این مواقع بصورت قارچ از زمین سبز می‌شوند و ادعای رهبری دارند. همه جناح‌های طبقه حاکم از اصلاح‌طلبان تا اصول‌گرا احساس خطر کردند و به همین دلیل

همه جناح‌های درون ساختار قدرت سرمایه با همه توان خود کوشیدند تا خیزش‌های عظیم خیابانی دی ماه توده‌های کارگر را و نیز استمرار این پیکارها و سرکوب قهرآمیز و توخس‌بار این اعتراضات توسط ماشین جنایت و کشتار سرمایه را از ساحت ذهن‌ها و خاطره‌ها خارج سازند و به حاشیه رانند. زنان و دختران به همراه پسران و مردان صحنه‌آفرینان این جنبش بودند و مبارزه در خیابان‌ها، ادامه مستقیم پیکارهای پیشین آنان در کارخانه، بیمارستان، دانشگاه و سایر مراکز کار و تولید بود. این موضوع از گزارش وزارت کشور دولت سرمایه ایران به خوبی آشکار است. بنا به گزارش خبرگزاری دولتی "ایرنا"، "سلمان سامانی"، سخنگوی وزارت کشور، روز شنبه ۲۳ دی ماه در یک نشست خبری اعتراف کرد که در طول مدت پنج سال اخیر ۴۳ هزار تجمع اعتراضی در ایران صورت گرفته است. حال اگر ما ده درصد از این تجمعات را متعلق به جناحی و یا بخشی از طبقه حاکمه سرمایه‌دار ایران بر علیه بخش دیگر بدانیم، ۲۱ اعتراض و تجمع کارگری در هر روز در طول این مدت ۵ سال از سوی کارگران از شاغل و بیکار، زن و مرد، پیر و جوان، در سن کار یا بازنشسته، زیر فشار بیکاری، گرسنگی، بی‌مسکنی، بی‌دارویی و همه‌ی اشکال بی‌حقوقی و محرومیت‌های ناشی از روابط تولیدی سرمایه‌داری شکل گرفته است. ریشه این اعتراضات در وجود سرمایه است. ما نسل بعد از نسل کار کرده‌ایم و استثمار شده‌ایم و نتیجه آن کوه سرمایه طبقه سرمایه‌دار ایران و بنیان قدرت رژیم شده است. بنابراین جنبش اعتراضی دی ماه سال جاری بدون پیشینه اعتراضی طبقه کارگر ایران نبوده است. تا این جا از نقاط قوت جنبش کارگری اعم از آن چه که در مراکز کار شکل گرفته و نیز آنچه که در خیابان‌ها از جانب همین کارگران صورت می‌گیرد، گفتیم. آن زمان که از کار روزانه فارغ می‌شوند و اعتراض خود را به مناسبات غیر انسانی سرمایه‌داری در خیابان‌ها و به شکل دیگری نشان می‌دهند. اما اگر از نقاط ضعف جنبش کارگری بطور کلی و مشخصاً "ایران سخنی نگوییم نه تنها کم کاری کرده‌ایم بلکه انگار هیچ نگفته‌ایم. تمامی ارقام بالا از زنده بودن و جوش و خروش این جنبش حکایت دارد. نکته‌ای که آن را در تمامی دنیای سرمایه‌داری با حدود ۵ میلیارد کارگر با جنبشی در سطوح مختلف، مستثنا می‌کند. بنابر این ما نمی‌توانیم از نبود و یا کمبود مبارزه کارگری علیه سرمایه بخصوص در ایران سخن به

میان آوریم. جدال ما کارگران و ستیزمان با سرمایه‌داران و دولت آن‌ها بر محور ضد کار مزدی است زیرا جنبش ما در اساس ضد سرمایه‌داری است. به این ترتیب ما کارگران به حکم شرایط زندگی مان در مقابل سرمایه‌داران با هر اسم و شکلی که باشند ایستاده‌ایم. حال چگونه است که ما با این توان و با وجود ضدیت با سرمایه و مبارزه روزانه و حتی شدید به گونه‌ای که شاهد آن بوده‌ایم، ناموفق و بدون نتیجه راهی کار روزانه و تولید سود می‌شویم و سرمایه را هرچه فربه‌تر می‌کنیم. آیا این نیست که ما هنوز قادر به ایجاد سازمان خود برای برنامه‌ریزی مبارزه، جمع‌آوری نتایج هر حرکت، ادامه کار و بالاخره نمایش قدرت سازماندهی شده کارگری در مقابل سرمایه‌داران و به عقب راندن آن‌ها و در نهایت شکست نهایی آن‌ها نشده‌ایم. در جریان شورش‌ها و اعتراضات خیابانی همه از بی‌رهبری جنبش ما گفتند و بسیاری تلاش کردند رهبر ما باشند. حال آن که جنبش ما در هستی خود از ظرفیت کافی علیه نظام مزدی برخوردار است و ما قادریم سرنوشت زندگی و کار خود را در دست بگیریم و احتیاجی به هیچ فرد، نیرو و سازمانی که بر ما فرمانروایی کند نداریم. کافی است ما سازمان‌های شورایی ضد سرمایه‌داری خود را در محل کار، محله، کوچه، مدرسه و هر جا که حضور داریم و در بستر نبرد طبقاتی علیه طبقه سرمایه‌دار و دولت آن بر پا کنیم تا سرنوشت زندگی خود را در دست بگیریم. خیلی‌ها فکر می‌کنند که شوراها تنها هنگام تحولات انقلابی جامعه، در هنگامه انقلابی و وقتی دولت سرمایه‌داری و حافظ نظام مزدی در معرض سقوط و درهم پاشی است شکل می‌گیرد. آن چه احزابی که خود را نماینده طبقه کارگر می‌نامند در بوق کرنا می‌کنند که کارگران در هنگامه انقلاب و شورش‌های اجتماعی برای شکست سرمایه احتیاج به نیروی متمرکزی دارند که جای حاکمیت قبلی را بگیرد چیزی جز انتقال دستگاه حافظ روابط طبقاتی به شکلی جدید نیست. شوراهای کارگری هیچگاه ارگان قدرت طبقه کارگر جهت تعویض دولت نیستند. بعکس آن‌ها نه تنها ناپود کننده هرگونه دولتی اند بلکه از این مهم‌تر ظرف مبارزه، آموزش خودگردانی جامعه، سازماندهی مبارزه روزمره بر اساس لغو کار مزدی‌اند. ما نه تنها قادریم شوراهای کارگری لغو کار مزدی را از هم اکنون بر پا داریم بلکه این تنها راه برون رفت از چارچوب قوانین روابط تولیدی سرمایه‌داری است. سرمایه‌دارها و عمله و اکره آنان

همواره تلاش دارند تخم عدم اعتماد در میان ما پراکنند و به ما اینگونه القاء کنند که ما قادر به فهم و درک روابط تولیدی و اجتماعی سرمایه‌داری نیستیم، و این که ما احتیاج به منجیان و پیامبرانی داریم که رهبر ما باشند و شرایط کار و جامعه‌گردانی را به ما دیکته کنند. این کار آن‌ها فقط جهت حفظ موقعیت طبقاتی خود آن‌ها در جامعه است. برای آن‌ها نابودی نظام مزدی معنی ندارد. شوراهای کارگری بر متن تضاد کار و سرمایه شکل می‌گیرند و تنها شوراهایی که با دخالتگری آگاهانه همگی ما تشکیل شده‌اند ظرف حقیقی مبارزه ما می‌باشند. خواسته‌های فوری، عملی و سیاسی کارگران همواره توأم است و این شمولیت در ظرف شوراها انعکاس دارد. اساس این تفکر که کارگران مبارزه اقتصادی و فوری خود را در محدوده سندیکا انجام می‌دهند و مبارزه سیاسی را به نخبگان حزبی و کسانی که در احزاب سوسیالیستی سازماندهی شده‌اند واگذار می‌کنند توسط روشنفکران و فرهیختگان طبقه سرمایه‌دار در میان ما رواج یافته و هنوز در بوق و کرنا می‌شود. کسانی که تخم ناامیدی، عدم اطمینان به خود و عدم قابلیت جامعه‌گردانی را در میان ما می‌پاشند فقط برای تسلط جدیدی تلاش می‌کنند که نتایج آن را در تاریخ مبارزات خود دیده‌ایم. تاریخ مبارزات کارگری و انقلابات، عکس این را نشان می‌دهند. در انقلاب کمون پاریس و در هر دو انقلاب روسیه این کارگران بودند که با تشکیل شوراهای نیم بند خود فراتر و جلوتر از نخبگان حرکت کردند. کارگران همواره در مبارزات روزمره خود از قوانین کار سرمایه فراتر می‌روند. لذا سندیکا و همه سازمان‌هایی که در چارچوب قوانین کار سرمایه‌داری عمل می‌کنند دست و پای کارگران را در عمل روزانه‌شان می‌بندند. کارگران در روند مبارزات روزمره خود علیه سرمایه و روابط کار مزدی به کسب تجربیاتی نایل می‌گردند که امکان کسب آن‌ها را در دوره‌های انقلابی که عموماً از نظر زمانی بسیار محدود و فشرده‌اند، ندارند. اگر ما مبارزات روزمره خود در زمینه دستمزد، ساعات کار و کاهش آن، تامین یک زندگی با امکان معاش کافی در بازنشستگی و از کارافتادگی، سهم هرچه بیشتری برای سیستم درمانی بهتر، مدارس با کیفیت بهتر و کاملاً مجانی و غیره را از طریق سازمان‌های شورایی ضد کار مزدی خود انجام دهیم آن‌گاه که برآمدهایی نظیر مبارزات دی ماه به وقوع می‌پیوندند از نبود سازمان قدرتمند طبقاتی خود محروم نخواهیم شد و بدیهی

است که هیچ امکان و فرصتی را به لاشخوران سلطنت طلب وانواع اصلاح طلبان داخلی و خارجی نخواهیم داد که بر امواج توفنده جنبش ما سوار شوند و دستاوردهای ما را به یغما برند.

ابراهیم پاینده

دی ۱۳۹۶



## ترس از سوری‌های شدن!!

چند سالی است که بازار "انتخاب بین بد و بدتر"، کالای پرفروش تازه‌ای را بر انبارهای مالا مال از کالاهای پیشین خود افزوده است، کالای "سوری‌های شدن ایران". این کالا یک "ورد" ویژه تخدیرزا است. این "ورد" مخدر که: تعویق چند ماهه دستمزدها، بهای شبه رایگان نیروی کار، بی‌بهداشتی، بی‌دارویی، بی‌درمانی، بی‌آموزشی، تحمل کل محرومیت‌ها، شلاق‌ها، شکنجه‌ها، زنجیزی‌ها، کودک‌کشی‌ها و همه جنایات دیگر سرمایه‌داری و رژیم اسلامی سرمایه، بالاخره از سوری‌های شدن کشور و ابتلا به سرنوشت کارگران سوری بهتر است!!

فروشنندگان این کالا مثل همیشه، سرمایه‌داران و مشتریان نیز توده‌های کارگر هستند. این بازار به روال متعارف، دستفروشان هم دارد که تماما کارگرند، اما با جمعیت دستفروش حاشیه خیابان‌ها فرق بارزی دارند. اینها نه گرسنه‌ترین و مفلوک‌ترین بخش کارگران، که بیشتر، از بالاترین لایه طبقه کارگر می‌آیند. کالایی که با فروش آن، بازار سود، قدرت و حاکمیت سرمایه‌داران را پررونق و زندگی، کار و پویه پیکار طبقه خود را به ورطه تباهی می‌رانند. بسیار بعید است که بتوان مخدري مرگبارتر از این را خورد توده‌های کارگر داد. تولید کنندگان این افیون بسیار خوب می‌دانند که چه می‌کنند و با توزیع و فروش آن به کارگران، چه سودهایی به چنگ می‌آرند و کدام پیروزی‌ها را ممکن می‌سازند، اما بحث بر سر کارگرانی است که این سموم مرگ‌زا را به شعور هم‌زنجیران خود تزریق می‌کنند. بیائید به شالوده و تار و پود نگاهشان به موقعیت، نقش و سرنوشت طبقه خود و به سطح انتظار و حد و حدود قدرت چاره‌گری

این طبقه بپردازیم. از منظر اینان، اینکه اکثریت غالب انسان‌های جامعه، فروشنده نیروی کار باشند و عظیم‌ترین بخش حاصل تولید و کارشان سرمایه طبقه سرمایه‌دار شود امری طبیعی و غیرقابل اجتناب است!! ساقط بودن کامل این ۸۰ درصد جمعیت از هر نوع دخالت در سرنوشت کار و تولید و زندگی خود هم پدیده‌ای جبری و مورد پذیرش است!! استثمار وحشیانه کارگر و طبیعتاً خودشان توسط سرمایه، اینکه کارگر با نرخ استثمار فرساینده و کشنده ۱۲۰۰ درصدی آماج توحش قرار گیرد کاملاً قابل تحمل است!! تمامی نتایج، عوارض و عواقب وجود و استیلاي این مناسبات، از جمله بیکاری و فقر و فلاکت میلیون‌ها کارگر تولید کننده کوه عظیم سرمایه‌ها، محرومیت میلیون‌ها برده مزدی از داشتن آب سالم آشامیدنی یا حداقل بهداشت، دارو، درمان، آموزش، مسکن و مایحتاج اولیه معیشتی، کار خرد کننده و تباه‌ساز میلیون‌ها کودک خردسال، فاجعه‌های دهشتناک زیست محیطی و بشریت بر باد ده همه‌جا گستر، تبعیضات بسیار انسان ستیزانه جنسی، قتل‌عام هر گونه آزادی و حقوق اولیه اجتماعی افراد، کشتار چند هزار، چند هزار انسان‌های معترض و منتقد، سلب هر میزان امنیت و آرامش آدم‌ها، بریدن دست و پا، قصاص، سنگسار، حجاب اجباری و کل بربریت‌ها و سبیت‌های دیگر، همه و همه قابل تحمل هستند!! همه این‌ها را باید قبول نمود. در همان حال باید دست به آسمان هم بلند کرد و برای بانیان و عاملان و مجریان کل این جنایت‌ها دعا نمود که اسیر وضعیت کارگران سوری نشده‌ایم!! قبول این نسخه پیچی خاص «بد و بدتر» به کارگر و به انسان به طور کلی، از نگاه «سگ‌های» شاعر ناسیونالیست ایرانی (اخوان ثالث) به سگ بودن خود هم، بسیار زبوانه‌تر و منحط‌تر است. در آنجا سگ‌ها حداقل وجود مقداری خاک اره‌های نرم و نوازش ارباب را موجبی برای تحمل شلاق می‌یافتند، اما متوسلان به این مخدر و نسخه پیچی حتی چنین چیزی را هم مستمسک کار و استدلال خویش ندارند!! اگر بناست از وحشت سوری‌های شدن به دامن تمامی فلاکت‌ها و سیه روزی‌ها فرار کنیم نقطه پایان این فرار کجا خواهد بود؟!

پرسش ما این است که آیا کارگران توزیع کننده این سموم و متوسل به این برهان سازیها!! آیا هیچ گاه به این فکر کرده‌اند که با این رویکرد و موازین داوری خویش، هم نظر و تأییدگر

سرمایه‌داران و طبقه سرمایه‌دار و دولت سرمایه‌داری علیه توده‌های هم‌زنجیر خود می‌باشند. مگر نه این است که آنان هم عین سخن صاحبان سرمایه و دولت هار سرمایه‌داری را تکرار می‌کنند، اینکه مبارزه نکنید، دست به اعتراض نزنید، اعتصاب راه نیاندازید، خواستار دستمزد بیشتر نشوید، تعویق دستمزدها را تحمل کنید، به هر چه دارید یا ندارید راضی باشید، از بدتر شدن بهراسید، سطح انتظار خود را پایین آرید، به تقدیر و مشیت تن دهید، کفران نعمت نکنید، سرمایه و باز هم سرمایه تولید نمائید و خوشحال باشید که «کشورتان» سوریه نشده و در معرض شبیخون‌های داعش نیستید. این را بسیار مغتم شمارید و قدردان دولت سرمایه‌داری باشید!! سرمایه‌داران و دولتشان این‌ها را می‌گویند و این کارگران نیز دقیقاً همین عوامفریبی‌ها و شیادی‌ها را نشخوار می‌کنند و تحویل هم‌زنجیران خویش می‌دهند. می‌گویند که باید برای امتناع از تحمل هر جنایت سرمایه‌داران، به کل قتل‌عام‌های برنامه‌ریزی شده از سوی آنان علیه خورد و خوراک و مایحتاج اولیه زندگی و هر نفس کشیدن اعتراضی خویش تن دهیم!! سرمایه‌داران ما را بیکار می‌کنند و ما از وحشت دستگیری و زندان، هر گونه مقاومت، اعتراض و ستیز علیه این جنایت را تحریم کنیم!! دستمزدهای ما را سال به سال نمی‌پردازند و ما از ترس اخراج، به کار بدون هیچ مزد تن دهیم!! بهای نیروی کار ما را هر روز به شکل جدیدی سلاخی می‌کنند و ما در هراس از باز هم کمتر شدن دستمزدها، در بارگاه قدرت سرمایه بساط ثناخوانی راه اندازیم. ما را از هر گونه امکان دارو و درمان محروم می‌نمایند و ما شکرگزار عنایت سرمایه‌داران برای ادامه اشتغال چند روز آتی باشیم!! ما را ویرانه‌نشین و کارتن‌خواب می‌کنند و ما از اینکه باز هم زنده هستیم، خود را رهین منت صاحبان سرمایه دانیم!! سرمایه ما را در سموم ریزگردها دفن می‌کند و ما دست نهادن بر ریشه این بلیه و اعتراض به دولت سرمایه را قدرشناسی در مقابل فقدان القاعده انگاریم!! در اوین و عادل آباد و کیل آباد و گوهر دشت و هزاران شکنجه‌گاه دیگر، چند هزار، چند هزار شکنجه و کشتار می‌شویم، اما راضی باشیم که قتل ما نه در بمباران، بلکه در جوخه‌های اعدام و قاتل ما نه دولت اسلامی عراق و شام، که رژیم اسلامی سرمایه‌داری ایران است!! همه دردها، رنج‌ها و مصیبت‌های بالا را به دیده، منت داریم، با این حساب که اسیر وضعیت کارگران سوری نیستیم!!

پرسش بعدی ما از این جماعت آنست که حتی برای لحظه‌ای به نقش و موقعیت و قدرت طبقه خود فکر کرده‌اند. آیا هیچ‌گاه به این اندیشیده‌اند که طبقه ما، تولید کننده و آفریننده کل سرمایه‌ها است و این قدرت را دارد که چرخه تولید هر چه سرمایه است و چرخ هر چه قدرت و حاکمیت سرمایه‌داری است را از چرخش فرو اندازد و کل این نظام وحشت و دهشت و جنایت را راهی گورستان تاریخ سازد؟ آیا راستی، راستی، کارگران مروج ایده فرار از سوریه‌ای شدن اهل اندیشیدن به این موضوعات هستند؟! چرا چنین اندیشیم و چنین کنیم، چرا به قدرت و توان پیکار طبقه خویش نظر نیاندازیم؟ چرا نگوئیم که ما یک قدرت تعیین کننده تاریخ ساز هستیم، هر چه کارخانه و تجارت خانه و راه و ساختمان و مزرعه و جاده و بندر و بازار و در یک کلام هر چه سرمایه است، همه و همه مخلوق کار ما است. چرا نگوئیم که قدرت و دولت طبقه سرمایه‌دار از سرمایه بر می‌خیزد، همان سرمایه‌ای که حاصل کار و تولید ماست، چرا نگوئیم که ما نه مثنی افراد ذلیل و زبون بلکه یک طبقه عظیم تاریخ‌ساز جهانی هستیم، چرا از قدرت خویش عزیمت نکنیم، راه متشکل ساختن این قدرت را پیش بگیریم، این قدرت سازمان یافته را علیه سرمایه اعمال نکنیم، چرا رابطه خود با سرمایه و دولت سرمایه‌داری را این گونه نکاویم؟! حتما می‌دانید که تفاوت بنیادی و فاحش این دو نوع نگاه کردن یا این دو رویکرد چه هست و عوارض و دستاوردهای هر کدام چه می‌تواند باشد؟ پاسخ روشن است. با نگاه این بخش از کارگران باید هر روز به عقب نشینی تازه‌ای دست زد، به هر مدلتی تن داد. مدام و مستمر به قهقرا رفت. هر روز هیچ و هیچ‌تر شد، گرسنه و گرسنه‌تر گردید، مفلوک و مفلوک‌تر شد، از همه اینها وحشت‌آورتر، ابتدائی‌ترین و نازل‌ترین میزان شرافت انسانی و کارگری را باید از دست داد. به نفع سرمایه‌داران ضد بشر، گرگ هم‌زنجیران خود گردید. در نهایت وقاحت، شاکر درگاه دولت‌ها و قطب‌های قدرت سرمایه جهانی شد، که توده وسیع هم‌زنجیر ما در سوریه، عراق، افغانستان، آفریقا، آسیا و جاهای دیگر را در میان شعله‌های جنگ خاکستر می‌کنند، اما عجالتا و برای چند صباحی ما را به شکل دیگری، غیر از جنگ!! اسیر تباهی، ذلت و نابودی می‌سازند!! معنا و حاصل نوع نگاه این کارگران که نتیجه شستشوی مغزی و تسلیم کامل در خواست‌ها و نسخه پیچی‌های سرمایه است سوی این هیچ

چیز دیگر نمی‌تواند باشد. در جهت‌گیری دوم که سیره، سنت و روال کار کارگران آگاه است، مسأله کاملاً ضد و معکوس این است. در اینجا بنیاد کار بر مبارزه، رجوع به قدرت لایزال طبقاتی، سازمان دادن شورایی و سراسری این قدرت و به کارگیری آن علیه سرمایه در همه عرصه‌های حیات اجتماعی استوار است. در اینجا هیچ کارگری به خود اجازه نمی‌دهد که زبونانه و غیرانسانی از جنگ زدگی و آوارگی و گرسنگی و فلاکت و مرگ ناشی از نداری هم‌زنجیران ابراز رضایت کند و عدم ابتلای خود به این مصیبت‌ها را موهبت و لطف سرمایه‌داران به حساب آرد. هر کارگری به این می‌اندیشد که باید دست در دست سایر آحاد طبقه خود بگذارد، با همه توان برای متحد شدن و متشکل گردیدن توده‌های طبقه خود تلاش نماید. همراه همه آحاد طبقه‌اش یک قدرت گردد. با این قدرت سرمایه و سرمایه‌داران و دولت آنها را به عقب راند، هر چه بیشتر مجبور به عقب نشینی کند، موقعیت جنبش خود را نیرومند و نیرومندتر سازد. با توان بیشتر علیه سرمایه بجنگد. در این راستا هر روز وضعیت زندگی و شرایط کار خود را بهتر و رفاه اجتماعی طبقه‌اش را افزون‌تر سازد. این جنگ را ادامه دهد تا دولت را، سرمایه‌داری را، وجود طبقات و جامعه طبقاتی را از میان بردارد. نگاه اول به صورت وحشت‌انگیزی ارتجاعی و ضد انسانی است. نگاه دوم بالعکس رهایی‌آفرین، افتخارآمیز و مالا مال از شور و احساس و شرف انسانی است.

اشاره بسیار کوتاهی هم به زمینه‌های مادی نسخه‌پیچی‌های ارتجاعی بالا اندازیم. پیش‌تر گفتیم که سازنده این سموم فقط سرمایه است اما کارگرانی که این سم را میان هم‌زنجیران خود توزیع می‌کنند کسانی هستند که عجلتاً کاری دارند، بیکار نیستند، شاهد شکم گرسنه و اندام برهنه فرزندان خود نمی‌باشند، کارتن‌خواب و ویرانه‌نشین نیستند، وحشیانه استثمار می‌گردند و تمامی جنایات سرمایه بر سرشان آوار است اما به همین اندازه که جایی برای فروش نیروی کار دارند و نانی ولو خالی بر سفره خانوار می‌آرند احساس خشنودی می‌کنند. این دوستان باید بدانند و باید این واقعیت بسیار تلخ را آویزه هوش و گوش سازند که دامنه تعرض، سلاخی، بربریت، گرسنه‌سازی، جنگ افروزی و بیکارسازی سرمایه بی‌مه‌ار و نامتناهی است. آنچه اینک از سر نادانی، حقارت، کوتاه‌اندیشی، تنگ‌نظری و خودبینی موهبت بزرگ

می‌پندارند، هر لحظه و هر کجا در معرض تهاجم سرمایه قرار دارد. آنچه می‌تواند تضمین کننده زندگی و اشتغال و رفاه و آینده و نهایتاً رهائی واقعی شما باشد، نه مماشات طلبی‌های شوم رذیلانه و جبونانه با سرمایه‌داران که پیکار مستمر سازمان یافته، شورایی، سراسری و ریشه‌ای علیه اساس سرمایه‌داری و همه اشکال تسلط سرمایه بر شرایط کار و زندگی خویش است.

سروش زراعتیان

دی ۱۳۹۶

## درس‌هایی از خیزش آذر ۹۶

توضیح: متن حاضر تلخیصی از مقاله «خیزش جاری، درخشش‌ها و نارسائی‌ها» به قلم ناصر پایدار می‌باشد. ما مطالعه متن کامل این مقاله را به همه فعالین کارگری توصیه می‌کنیم.

\*\*\*\*\*

در جهانی که نظام سرمایه‌داری و دولت اسلامی سرمایه بر توده‌های کارگر تحمیل کرده است و بی‌هیچ اغراقی تهیه حتا نان خالی برای میلیون‌ها نفر امکان‌پذیر نیست؛ در اوضاع دل‌خراشی که سرمایه‌داری ایران و رژیم اسلامی آن، اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان و تمامی جناح‌های سرمایه، هجوم علیه حاصل کار و تولید، خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و بهداشت و دارو و درمان و همه چیز کارگران راه انداخته‌اند؛ خشم محروم‌ترین بخش طبقه کارگر در خیابان‌های سراسر ایران جاری گردید. توده عظیمی که از گرسنگی، نداری، کارتن‌خوابی و بیکاری به ستوه آمده‌اند؛ کارگرانی که مطابق آمار رژیم از هر چهارده میلیون تومان حاصل تولید و کارشان بیش از ۱۳ میلیون تومان نصیب سرمایه‌داران و در بهترین حالت، کمتر از یک میلیون تومان سهم معیشت و مایحتاج زنده ماندن خودشان می‌گردد و کل هزینه گذران زندگی‌شان بسیار کمتر از هزینه‌های ارتش، پلیس، سپاه پاسداران، بسیج، حوزه‌های علمیه و نهادهای تبلیغ خرافه پرستی دینی است که دولت روحانی برای سرکوب فیزیکی و فکری طبقه کارگر ایران در بودجه سال ۱۳۹۷ آورده است. به شاخصه‌های این خیزش نظر کنیم:

۱- خود اتکائی و تن ندادن به نیروهای بالای سر. برای نخستین بار در تاریخ ایران است که توده‌های کارگر به خیابان می‌ریزند و زمام جنبش آنان در دست این یا آن مافیای بورژوازی علیه مافیای دیگر این طبقه نیست. خیزش ۹۶ تا لحظه حاضر به چنین مهلکه‌ای نیافتاده است. کارگران از جمله توده کارگر بیکار، گرسنه و عاصی حاضر در خیابان‌ها با گوشت، پوست، رگ و پی و تجربیات انباشته سالیان کوتاه یا دراز خود، جبهه ملی، نهضت آزادی، احزاب چپ، اسلام‌گرایان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، همه و همه را آزموده‌اند و حاضر به دنباله‌روی آنها نیستند. هیچ کدامشان را دارای نسخه و راه حلی حتماً برای تعدیل وضع موجود خویش در جهنم سرمایه‌داری ایران نمی‌بینند. نوعی وقوف و آگاهی که بیش از هر چیز مدیون سرمایه ستیزی خودپوی آنها است. باید باور کرد که اگر نه کل کارگران، اما بخش‌هایی از طبقه کارگر ایران با همان شناخت خودپو و درون‌زاد طبقاتی درک کرده‌اند که هیچ دار و دسته بورژوازی قرار نیست مرهمی بر زخم‌های کهنه وی بگذارد. فهمیده است که باید هر نوع امید به این احزاب جریانات و باندها را از سر خود بیرون سازد.

۲- رژیم ستیزی طبقاتی و ضد سرمایه‌داری. توده کارگر به حکم هستی اجتماعی خود از سر خواسته‌های متضاد با ملزومات چرخه ارزش‌افزایی و سودآفرینی سرمایه وارد کارزار علیه رژیم سیاسی می‌گردد. در اینجا شعار مرگ بر خامنه‌ای، شعار مرگ بر بیکاری، گرسنگی، کارتن‌خوابی، تبعیضات جنایت‌کارانه جنسی، فقر و فلاکت و همه مصیبت‌هایی است که سرمایه بر زندگی توده‌های کارگر آوار کرده است. فریاد مرگ بر خامنه‌ای و روحانی، فریاد مرگ بر رژیم است که برای فربه ساختن هر چه بیشتر سرمایه، کارگران را از هستی ساقط ساخته است. فریادی که کل قدرت سیاسی حاکم را به جرم بیکار نمودن، گرسنه کردن، بی‌مسکن ساختن و بی‌دارو و درمان نمودن خود، به جرم اعمال تمامی جنایات سرمایه علیه خویش ولو بدون آوردن نام سرمایه هدف ستیز قرار می‌دهد و در همین راستا رژیم‌ستیزی خیزش اخیر در قیاس با گذشته بنمایه ضد سرمایه‌داری تر دارد.



۳- دامنه وسیع و همه جانبه خواست‌ها و اعتراضات. در این خیزش توده‌های کارگر فشار استثمار و همه اشکال تعرض و تجاوز سرمایه به زندگی خود را یکجا و با هم هدف اعتراض قرار داد. کارگران فقط گرسنگی و آوارگی و بی‌دارویی خود را فریاد نزدند، فقط علیه دیکتاتوری و ستم و خفقان شعار ندادند، آن‌ها تمامی آنچه را که سرمایه‌داری و دولت اسلامی سرمایه بر سرشان آوار ساخته است هدف خشم خود گرفتند. بیکاری چندین میلیونی، حجاب اجباری، مزدهای نازل، تبعیضات جنسی، آوارگی و کارتن‌خوابی، فقدان آزادی سیاسی و حقوق اولیه انسانی، بی‌آبی و بلایای زیست محیطی، ارقام سرسام‌آور هزینه‌های نظامی و پلیسی و تبلیغاتی رژیم، ریخته شدن میلیاردها، میلیارد حاصل کار و استثمار توده‌های کارگر به باتلاق زیادت خواهی‌ها، جنگ‌افروزیها و بحران‌آفرینی‌های رژیم در منطقه و جهان، طومار دزدی‌ها و چپاول‌های چندین هزارمیلیاردی صاحبان سرمایه، اجبار کودکان و زنان خانواده‌های کارگری به تن‌فروشی و تباهی و فروش مواد مخدر، هزینه‌های کلان نهادهای ترویج شریعت و تبلیغات اسلامی، وضعیت معیشتی رقت‌بار کودکان و سالخوردگان، اقیانوس عظیم سرمایه و ثروت صاحبان تراست‌های غول‌پیکر، فشار فقر و فلاکت و تنگدستی، بهره‌گیری جنایتکارانه دولت سرمایه از سلاح دین برای سلاخی ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و فراوان مسائل دیگر را یکجا و آمیخته به هم هدف کارزار خود ساختند.

۴- موج اعتراضات فراگیر و سراسری. در هیچ‌کدام از دوره‌های قبل شاهد این سطح گستردگی مبارزات استثمارشوندگان و فرودستان عاصی و سراسری شدن جنبش در این ابعاد، در کوتاه‌ترین زمان ممکن نبودیم. سراسری شدن بسیار پرشتاب خیزش‌ها گویای این حقیقت بود که لایه‌های فقیرتر و تنگدست‌تر طبقه کارگر در شهرها و روستاها قادر به تحمل بیشتر فشار استثمار سرمایه و جنایات و بی‌حقوقی‌های ناشی از وجود سرمایه‌داری نیستند، همه از استثمار فرساینده سرمایه به ستوه آمده‌اند. همه آماده اعتراض و جنگیدن هستند. یک نکته مهم در همین زمینه اشتعال افزون‌تر آتش طغیان کارگران در شهرهای کوچک‌تر در قیاس با تهران بود. هر کجا شمار بیکاران افزون‌تر و فشار فقر و فلاکت و گرسنگی خرد کننده‌تر بود، اعتراضات نیز مشتعل‌تر و انفجارآلودتر بود. همه این‌ها از نقش بارز و تعیین کننده سرمایه

ستیزی خودپوی کارگری در این جنبش حکایت می‌کرد. یک نکته را به این قسمت بحث اضافه کنیم. ما تأکید نمودیم که معترضان در خیابان‌ها فقیرترین و محروم‌ترین لایه‌های طبقه کارگر بودند. این جنبش در طول چند روز عروج خود نتوانست از حمایت گسترده توده‌های کارگر در کارخانه‌ها و مراکز کار برخوردار شود، این مسأله یک ضعف مهم بود.

### آینده این خیزش را چگونه باید دید؟

۱- در طول ۴۰ سال حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه‌داری، هیچ‌گاه کل ماشین دولتی و قدرت سیاسی سرمایه یا کل بورژوازی حاکم به میزان امروز از طغیان توده‌های کارگر احساس وحشت نکرده است. در این روزها هراس اصلاح طلبان از استمرار حضور کارگران در خیابان‌ها نه کمتر از رقبای اصولگرا که شاید بسیار بیشتر باشد. تمامی جناح‌های درون و حاشیه ساختار حاکمیت سرمایه به اندازه هم آماده سرکوب و کشتار اعتراضات هستند. رژیم با کل قوای لازم وارد پهنه نبرد خواهد شد و برای پایان دادن به شکل روز آن، از هیچ جنایتی دریغ نخواهد کرد. سرکوب مسلمانان ضربه سنگینی بر پیکر این جنبش وارد خواهد ساخت اما قادر به انهدام و تعطیل دیرپا حتی کوتاه مدت آن نخواهد بود. دلیل این امر روشن است. این خیزش با آمدن به خیابان آغاز نشده است که با بیرون رفتن از خیابان‌ها پایان یابد. همه در این مورد اذعان دارند که جنبش روز در همه این سال‌ها به شکل‌های مختلف در مراکز کار و تولید و عرصه‌های اجتماعی گوناگون حضور داشته و ابراز وجود می‌کرده است. بر همین اساس، سرکوب در بدترین حالت می‌تواند برای دوره‌ای معین بر شکل، دامنه یا ساز و کارهای روز آن اثر گذارد. اعتراضات خیابانی می‌تواند برای مدتی افت کند یا حتی تعطیل گردد، اما اولاً، در حوزه‌های دیگر و بیشتر از همه جا در مراکز کار و تولید گسترش خواهد یافت. ثانیاً، شکل خیزش خیابانی هم به ورطه رکود نخواهد غلطید زیرا که اکثریت قریب به اتفاق توده عاصی و ناراضی را کارگران بیکار تشکیل می‌دهند. جمعیت عظیم چندین یا چند ده میلیونی که در میان شعله‌های گرسنگی و بی‌مسکنی و بی‌دارویی و بی‌درمانی می‌سوزند و هیچ محلی سواً خیابان‌ها و میدان‌ها برای نمایش قهر، ناراضی و اعتراض ندارند. دولت مردان سرمایه هر روز

با زبان خویش اعتراف می‌کنند که از هر ده کارگر در سن اشتغال حداقل چهار نفر آن بیکار هستند. این بیکاران هیچ چیز نه برای زندگی و نه برای از دست دادن ندارند. بیکار و اعتراض تنها کاری است که می‌توانند و مجبورند انجام دهند و خیابان و میادین درون شهرها تنها مراکزی است که می‌توانند این اعتراضات را به نمایش بگذارند. **ثالثاً** و این بسیار مهم است که طبقه سرمایه‌دار و دولتش نه فقط هیچ چشم‌اندازی برای هیچ میزان بهبود در وضعیت معاش و درمان و مسکن و بیکاری و گرسنگی و سایر سیه‌روزی‌های توده کارگر ندارد که حتا هیچ دورنمایی برای هیچ میزان چالش بحران رو به عمق سرمایه‌داری و مقابله با فروپاشی شتاب‌آلود چرخه ارزش‌افزایی سرمایه اجتماعی هم در پیش رو نمی‌بیند. موج بحران هر روز از روز پیش کوبنده‌تر می‌گردد، شمار کارخانه‌ها و مراکز کار در حال تعطیل سیر صعودی دارد. هیچ روزی نیست که بر کثرت بیکاران افزوده نگردد. بازار انباشت سرمایه فاقد حداقل رونق است. وخامت مبادلات میان سرمایه‌داری ایران و بازار جهانی سرمایه‌داری یا روند سامان‌پذیری بین‌المللی سرمایه اجتماعی کشور در سطحی است که سرمایه‌داران داخلی و خارجی خود را با هزینه‌های بسیار گزاف پیش‌ریز هر دو بخش استوار و گردش سرمایه ثابت، بهای تمام شده بسیار بالای کالاها و نرخ نامطلوب سودها مواجه می‌بینند و از سرمایه‌گذاری چشم می‌پوشند. بانک‌ها همه در آستانه ورشکستگی هستند زیرا سرمایه‌های آنها در شکل وام در ملکیت سرمایه‌داران خصوصی و دولتی و مؤسسات مالی یا صنعتی غول پیکر قرار گرفته است و با فشار سرکش بحران به مراکز مالی وام دهنده باز نگشته است. تمامی صندوق‌های بیمه و بازنشستگی توده‌های کارگر در آستانه ورشکستگی هستند و هر آن در خطر سقوط می‌باشند. موج تحریم‌ها یکی پس از دیگری بر چرخه فروپاشیده بازتولید سرمایه سرشکن می‌گردد و بر شدت اختلال این چرخه می‌افزایند. برج‌ها به طور کامل بدفراجم مانده است و هیچ انتظار اساسی بورژوازی و دولتش را پاسخ نگفته است. بحران دهشتاک زیست محیطی و خطر بی‌آبی و تقلیل روزافزون بخش‌های کشاورزی و پرورش دام و طیور سرمایه‌داری بر همه معضلات غیرقابل گشایش سرمایه اجتماعی اضافه شده است. کل این‌ها در حالی چرخه حیات سرمایه را در کلاف خود پیچیده است که دولت اسلامی بورژوازی باید هر سال صدها میلیارد دلار از حاصل استثمار

توده‌های کارگر را صرف جنگ‌افروزی در منطقه و بحران‌آفرینی در این یا آن کشور حاشیه خلیج کند. در چنین شرایطی آیا چشم‌اندازی برای هیچ میزان تقلیل گرسنگی و فقر و فلاکت و کارتن‌خوابی توده‌های کارگر وجود دارد؟ جواب نه فقط منفی که عمیقا معکوس هم هست. بیکاری‌ها و بیکارسازی‌ها بسیار وحشتناک‌تر خواهند شد. لایه‌هایی از طبقه کارگر که تا امروز نانی در سفره خود دارند مجبور به تحمل سیه‌روزی‌های دامنگیر فقیرترین هم‌زنجیران خود خواهند گردید. زمان تعویق پرداخت دستمزدها طولانی‌تر و شاید چند برابر می‌گردد. بازنشستگان از دریافت سنار و سی شاهی مستمری روز خویش باز خواهند ماند. همه چیز بدتر خواهد شد. رژیم اسلامی سرمایه هرچه بیشتر به سلب ابتدائی‌ترین آزادی‌ها و حقوق انسانی توده کثیر کارگر خواهد پرداخت. کل این‌ها فریاد می‌زنند که موج خیزش‌ها و شورش‌ها و اعتراضات کارگران در مراکز کار و کارخانه‌ها و خیابان‌ها و میدان‌ها فروکش نخواهد کرد. شورش‌ها و خیزش‌ها شاید تغییر شکل دهند، تظاهرات خیابانی چه بسا جای خود را به جنگ و گریزهای پراکنده نامتوازن با فواصل زمانی نامعلوم دهند اما دولت بورژوازی با سرکوب نه فقط صدای اعتراض کارگران را خاموش نخواهد کرد که قادر به تعطیل خیزش‌های خیابانی نیز نخواهد شد.

۲- تأکید بر درون‌جوشی و خوداتکایی کارگری خیزش‌های اخیر به معنای نفی آسیب‌پذیری بسیار گسترده و کاستی‌های فراوان بحران پرور اعتراضات نمی‌باشد. ترجیع‌بند همیشگی تمامی طیف‌های اپوزیسیون این بوده و کماکان آنست که توده کارگر فاقد آگاهی است. این بحث وارونه‌پردازانه و سرمایه‌سالار است. آگاهی کارگران کارزار زمینی آگاه، سرمایه ستیز، سازمان یافته و شورایی آنان است. آگاهی جنبش کارگری در توان بالفعل کالبدشکافی، چاره‌اندیشی، راه‌حل‌جویی، جنگ و گریز، تعرض و عقب‌نشینی، مقاومت و تهاجم متشکل شورایی توده کارگر متجلی می‌گردد. نطفه این آگاهی در هستی اجتماعی کارگران و در بطن مبارزات آنها است. اما جنبش کارگری هنوز یک جنین زنده، شکوفا و رشد‌یابنده را متولد نساخته است. جنبش کارگری ایران از این لحاظ در موقعیتی بسیار ضعیف و آسیب‌پذیر قرار دارد. فاقد هر میزان انسجام یافتگی، استخوان‌بندی، سازمانیابی و جهتگیری آگاه یا نقشه‌مند ضد سرمایه‌داری

است. جنبش جاری می‌تواند و این امکان را دارد که استخوان‌دار، شورایی و ضد سرمایه‌داری و میدان‌دار گردد، در همان حال می‌تواند شکست خورد و سرخوردگی افزون‌تر به بار آرد. یک معنای دیگر این آسیب‌پذیری آنست که هر میکرب و ویروس و عفونتی می‌تواند در این جنبش به سرعت رشد نماید، سراسر اندام را عفونی سازد و به هلاکت اندازد. همین الان خیل کثیر فرصت‌طلبان سرمایه در لباس منجی و قیم آماده دریدن و بلعیدن جنبش هستند. در میان این نیروها نبش‌قبر شدگان سلطنت‌طلب بر خلاف دوره‌های پیش از همه مهلک‌تر و قابل تعمق‌تر می‌باشند. از سلطنت‌طلبان که بگذریم ناسونالیسم کرد و بیش از همه حزب دموکرات کردستان ایران با یک لشکر عظیم پیشمرگه همراه با برخی محافل همسوی کرد خطری بسیار جدی برای آینده جنبش کارگری ایران است. خطری که چشم‌انداز بالفعل شدن آن از سلطنت‌طلبان نه کمتر بلکه بیشتر است. همه احتمالات را باید به نظر آورد. حزب دموکرات به راحتی می‌تواند در کنار سلطنت‌طلبان قرار گیرد، همه این‌ها می‌توانند با محافظی مانند «جمهوری خواهان لائیک»، ناسیونالیست‌های دینی و لائیک بلوچ، سندیکالیست‌های راست داخل و خارج کشوری به صورت یک جبهه واحد ارتجاعی به جان جنبش کارگری افتند.

### چه باید و چه می‌توانیم بکنیم؟

۱- بدون همگامی و هم‌رزمی در قعر شرایط زندگی، کار و پیکار با هم‌زنجیران مبارز و به ستوه آمده از فشار استثمار و ستم سرمایه و همراهی عملی با دخالت‌گران مؤثر رخدادهای روز جنبش کارگری نمی‌توانیم فعالیت‌های خود را اثربخش ضد سرمایه‌داری به حساب آریم. در همین جا باید با یک مشکل اساسی تعیین تکلیف کنیم. باید «مردگان را به مردگان بسپاریم» و به سراغ زندگان رویم، ما اگر چند برابر عمر متعارف خود هم زنده مانیم و دست به کار همراه ساختن این یا آن فعال سیاسی میراث‌دار حزب‌سازی، رژیم‌ستیزی و کمونیسم‌نمایی رایج باشیم به هیچ کجا نمی‌رسیم. همین توان اندک خود را هم می‌فرسائیم و هرز می‌دهیم. به جای اینها باید چشم دیدن و یافتن دردمندان معترض طبقه خود و زبان گفت و شنود با آنها را پیدا کنیم. همین کسانی که امروز چندین هزار نفر آنها به جرم راه‌اندازی خیزش‌ها در

شهرهای مختلف ایران در سیاهچال‌های جمهوری اسلامی زیر بدترین شکنجه‌ها هستند، بیکاران و گرسنگانی که هیچ چیز برای از دست دادن نداشتند، رسم و سواد سخنوری درباره تفاوت میان مارکس و انگلس را نمی‌دانستند. علیه شدت استثمار و بربریت سرمایه‌شوریدند و ما هیچ کدام آنها را نمی‌شناختیم، آزار دهنده است وقتی به این می‌اندیشیم که چرا ما به جای جستجوی این‌ها، حتا یک ساعت وقت خود را صرف بگو، مگوی انتقادی با حزبیون و سندیکاچیان و فیلسوفان و فعالین سیاسی مدعی نجات کارگران کنیم!! رویکرد ضد سرمایه‌داری بدون تغییر ریل بنیادی در نوع ارتباطجویی‌ها، همگام‌سازی‌ها و هم‌صدا شدن‌ها نمی‌تواند نیروی دخالتگر جدی در پهنه کارزار توده کارگر شود. مادام که ارتباطات، شبکه تماس و گفت و شنود و اثرگذاری و اثرپذیری ما راه خود را به شریان جنبش جاری باز نکند ما به صورت مشت‌آدم‌های ایدئولوگ، سیاست‌ورز، نویسنده، گوینده، منقد و خبرگزار دوست طبقه کارگر اما بی‌تأثیر در سرنوشت جنبش طبقه‌مان باقی خواهیم ماند.

۲- ارتباط‌گیری‌ها و همراه‌یابی‌ها را هسته روینده شوراها سازیم. شوراهایی که هر چه کوچک و ناپیدا، جای شور و مشورت، دخالت‌گری خلاق و تأثیرگذاری متقابل غواصان واقعی دریای جنبش باشند.

۳- مطالبات عاجل توده‌های کارگر را در همه حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی با نگاهی عمیقاً ضد سرمایه‌داری در میان کارگران ترویج کنیم. ما اعلام می‌داریم که دریافتی ماهانه هر کارگر اعم از شاغل بیکار و جویای کار در شکل هزینه معیشت و رفاه اجتماعی نباید از سهم وی در کل محصول اجتماعی سالانه کار و تولید کمتر باشد. بر رایگان شدن کامل آموزش از آغاز تا عالی‌ترین سطوح، مهد کودک بدون هیچ هزینه برای کل کودکان، دارو و درمان و بهداشت سراسر مجانی برای همه، رایگان بودن نگهداری از سالخوردگان و معلولان، ایاب و ذهاب رایگان، مسکن مدرن مصون در مقابل زلزله بدون هیچ اجاره بها، محو کامل حجاب اجباری، جرم و جنایت شناختن همه اعمال شنیع و انسان‌ستیزانه از نوع قصاص، شلاق و اجرای احکام شرعی، ممنوعیت هر گونه دخالت دولت در زندگی شخصی انسان‌ها،

ممنوعیت هر شکل محدودسازی آزادی‌های سیاسی و بیان و مطبوعات و تظاهرات یا سازمانیابی و تشکیل اجتماعات و فعالیت‌های اجتماعی، آزادی جامع الاطراف افراد در انتخاب نوع زندگی مشترک و ثبت کردن یا نکردن ازدواج، امحاء کار خانگی زنان و حق بدون هیچ قید و شرط هر زن موسوم به «خانه دار» در حصول سهم کامل خود از محصول اجتماعی سالانه کار و تولید، مبارزه ریشه‌ای علیه هر شکل تبعیضات جنایتکارانه جنسی و مردسالاری، الغاء بی‌قید و شرط کار کودکان، ستیز اساسی علیه آلودگی‌های زیست محیطی در تمامی شکل‌های آن از طریق کندن ریشه آلودگی‌ها در چرخه ارزش افزایی سرمایه اجتماعی، الغاء کامل اعدام و مسائل دیگری از این دست، تأکید و اصرار می‌کنیم. نقطه عزیمت ما در طرح خواستها و شعارها، هموارسازی هر چه بیشتر راه پیکار توده‌های کارگر برای تسلط تا سرحد ممکن بر پروسه کار، تولید و زندگی اجتماعی خویش است.

۴- تمرکز افشاگری‌ها و نقدها را بر روی نیروهایی قرار دهیم که واقعا خطر جدی جنبش محسوب می‌شوند، در این گذر به نظر می‌رسد که سلطنت‌طلبان بیش از همه موضوعیت دارند. همچنین باید از همه فرصت‌ها و امکانات برای نقد ناسیونالیسم استفاده کنیم. در همین خیزش جاری، ناسیونالیست‌های ظاهرا جدا از دار و دسته سلطنت اما غرق در باتلاق کورش‌ستایی نیز عربده احياء شاهنشاهی و ایران، ایران سر می‌دادند. تکلیف اصلاح‌طلبان درون و حاشیه حاکمیت روشن است اما فراموش نکنیم که اصلاح‌طلبان اپوزیسیون‌نمای داخل همچون کانون نویسندگان ایران نیز در متوهم ساختن کارگران بی‌تأثیر نیستند.

۵- یکی از وارونه پردازی‌ها و گمراهه آفرینی‌های اپوزیسیون‌های متنوع راست و چپ، از سلطنت‌طلب گرفته تا رفرمیسم چپ تا فعالان کانون نویسندگان و اساتید دانشگاهی چپ در این ۴۰ سال، نقد رفرمیستی و سرمایه‌سالار مذهب و به طور مشخص اسلام بوده است. همه این‌ها یک صدا سعی کرده‌اند تا ریشه غالب بربریت‌ها و توحش جمهوری اسلامی را در اسلامی بودن رژیم ببینند و همین را در شعور کارگران کشت کنند. اینها از هر فرصتی برای تبلیغ شعار سرمایه‌سرشت «جدایی دین از دولت» و در واقع شعار قبول بقای دین و دولت به

صورت جداگانه، به عنوان یک مطالبه اساسی کارگران بهره می‌گیرند. ما باید بسیار بیشتر از گذشته تشریح کنیم که جمهوری اسلامی، سرمایه تشخیص یافته در قالب دولت با سلاح مذهب است و همه اشکال توحش این رژیم توحش‌های سرمایه با سلاح مخوف اسلام است. باید موج نفرت کارگران به اسلام را نفرت به نظام بردگی مزدی و نفرت به هر ساز و کار قدرت سرمایه از جمله اسلام سازیم.



## در باره خیزش دی ماه کارگران

ابتدا به نظرات عده‌ای از فعالین کارگری نگاه کنیم. جنبش اعتراضی اخیر کارگران را کور می‌دانند، زیرا که بی‌رهبر است!! می‌گویند که سوسیالیسم را باید از بیرون به درون جنبش کارگری برد و مبارزات دی‌ماه توده‌های کارگر گرسنه «حاصل تلفیق سوسیالیسم علمی با رویکرد خود به خودی» نیست پس کور و بی‌نتیجه است. این موج اعتراض راه به جایی نمی‌برد زیرا که زیر لوای رهبری حزب نبوده است!! ریشه خیزش نه در شدت استثمار سرمایه‌داری که در وزش تند ریزگردها و کم شدن آب کارون بود. اصلا این شورش و اعتراض هیچ اصلاتی نداشت زیرا بانی آن نه کارگران عاصی و شاکی و معترض که جناح اصول‌گرای دولت اسلامی سرمایه‌داری بوده است!!! این به اصطلاح فعالین با کمال زمختی رو در روی کارگران همه این حرف‌ها را می‌گویند. چرا؟ زیرا که آنها عزم جزم کرده‌اند که توده کارگر خارج از زنجیر تعبد به خویش و احزاب را موجوداتی بدون هیچ شعور و شناخت و قدرت و فاقد هر نوع سرمایه‌ستیزی و توان میدان‌داری طبقاتی انگارند.

این جماعت می‌توانند هر جور که دلشان می‌خواهد حرف بزنند و به نظریه بافی پردازند اما آنچه می‌گویند بسیار بیش از آنکه رنگ و رخسار زمینی داشته باشد، خیال‌پردازی‌های مریخی است. معترضان خیابانی، به طور ناگهانی از دامان خیابان متولد نگردیدند. خیزش با اعتصابات کارگری کلید خورد، مبارزات کارگران معدن، کارگران شهرداری‌ها، هپکو و آذراب و صدها جای دیگر پیشینه‌ساز کارزار بودند. آنها در این مبارزات تجربه اندوزی کردند. در آذراب و

هیکو آموختند که راهبندان و راهپیمایی در خیابان‌های شهر به رغم تأثیری که دارند چاره‌ساز نیستند. فهمیدند که اعتصابات پراکنده با همه اهمیتشان باز هم صاحبان سرمایه را مجبور به قبول خواست‌ها نمی‌کند. مبارزات کارگران در کارخانه‌ها، شرکت‌ها، معادن، در اعتصاب کارگران هفت تپه، در کارزار ضد بیکاری بالید و شاخ و برگ کشید و سرانجام وارد خیابان‌ها شد. شورش ماه دی تجلی اعتراض خودپوی توده کارگر علیه سرمایه‌داری بود، آنها علیه شدت استثمار و جنایت سرمایه به خیابان ریختند. مشکل نبودند، شورا نداشتند، یک جنبش آگاه، افق‌دار و نقشه‌مند را تشکیل نمی‌دادند، به همین خاطر سخت آسیب‌پذیر بودند، اما با همه اینها معترضان خشمگین علیه استثمار و حاکمیت سرمایه‌داری بودند. هر بخش بورژوازی اپوزیسیون کوشید تا راهی به درون آنها دست و پا کند، حتی دفن‌شدگان سلطنت‌طلب نیز به فکر گرفتن ماهی از آب گل‌آلود آسیب‌پذیری‌ها افتادند. با همه اینها کارگران کم یا بیش دردها و رنج‌ها و اعتراضات خود را فریاد زدند و صاحبان سرمایه و دولت را به چالش کشیدند. ویژگی برجسته این جنبش، خشم و قهر و طغیان خودجوش کارگران علیه شدت استثمار سرمایه و فقر و فلاکت و کارتن‌خوابی و دنیای مصیبت‌های ناشی از وجود سرمایه‌داری بود. این شاخص با این برجستگی و سرکشی در هیچ‌کدام از جنبش‌های گذشته بروز نداشت. مثل روز روشن بود که کارگران با خروش مرگ بر خامنه‌ای و روحانی قهر خود علیه سرمایه را فریاد می‌زنند. جنبش در شهرهای کوچک رادیکال‌تر ظاهر شد زیرا که بیکاران و گرسنگان در آنها بیشتر بودند. همان کارگرانی که هیچ چیز برای از دست دادن نداشتند.

نیاز به گفتن نیست که جنبش دی با تمام جسارت و جانفشانی که همراه داشت، با سر آگاه، شعور و شناخت و سازمان‌یافتگی ضد سرمایه‌داری وارد میدان نشد. خیلی‌ها از کسری بیش از حد آگاهی شورشگران می‌گویند. در این شکی نیست اما باید دید که این جماعت از آگاهی چه تصور و برداشتی دارند. آگاهی مشتکی کلمات و عبارات و لفظ بازی نیست. آگاهی ضد سرمایه‌داری کارگر اشراف او بر برنامه‌ها و محتوای قطعنامه‌های حزبی نیست. در جنگ واقعی آگاه و سازمان یافته و شورایی او علیه سرمایه است که سر می‌افرازد، می‌بالد و شکوفا می‌گردد. اگر افرادی خود را آگاهان طبقه کارگر می‌دانند، باید انسان‌های حی و حاضر، دخالتگر و

چاره‌پرداز در پروسه پیشبرد این جنگ باشند. آنان که رد پای این آگاهان را در محفل انس مارکس پژوهان می‌جویند سخت در اشتباهند و آب در هاون می‌کوبند. خیزش دی ماه کارگران مسلما ایرادات اساسی داشت. فاقد هر میزان سازماندهی شورایی بود، راه ورود باندهای مختلف بورژوازی به درون خود را سد نساخت. توان خود را در مجاری واقعی ضدیت با سرمایه خروشان ننمود. آماده تصرف خانه‌های خالی سرمایه‌داران نگردید. به توده‌های کارگر در حال پیکار درون کارخانه‌ها نپیوست، تعطیلی چرخ تولید سرمایه در سراسر جامعه را دستور کار خود نکرد. راه متشکل شدن شورایی را پیش نگرفت. فریاد تصرف کارخانه‌ها و خارج‌سازی آنها از دست صاحبان سرمایه و دولت سرمایه‌داری سر نداد، خواستار محو کار کودکان نشد و دنیایی از کاستی‌های دیگر که مجرد لیست نمودن آنها علاج‌دردی نیست.

دولت‌ها سرمایه با بهره‌گیری از همین ضعف‌ها، در کوتاه‌ترین زمان قادر به سرکوب و عقب‌راندن موقتی این خیزش شد. چندین هزار نفر را دستگیر کرد. شمار کثیری از کارگران را کشت، عده نامعلومی را زیر شکنجه از پای درآورد و بر جمع کشتگان افزود. فقط در شهر کوچک ایزده سیصد زن مبارز و معترض را راهی سیاهچال ساخت. رژیم به همه این جنایت‌ها دست زد اما یک چیز اظهر من الشمس است. این خیزش شکست نخورده است. طوفان اعتراض در راه است. در همین چند روز، در فاصله میان روز اول تا چهارم بهمن حدود ۳۰ اعتصاب در کارخانه‌ها و مراکز مختلف کار و تولید رخ داده است. کارگران، میلیون، میلیون بیکار و گرسنه و اسیر فقرند. این توده عظیم چند ده میلیونی عاصی از کارتن‌خوابی و فلاکت هیچ چیز برای از دست دادن ندارد، در مقابل سرکوب و شبیخون سرمایه تسلیم نخواهد شد. به رغم تمامی بربریت‌ها و توحش‌های بورژوازی آرام نگرفته است. همه جا و در همه عرصه‌ها آماده طغیان است. باید به این جنبش پیوست. باید غواص آگاه و ماهر میان موج‌های سرکش آن شد. باید راه سازمان‌یابی شورایی ضد سرمایه‌داری توده هم‌زن‌جیر را پیش گرفت. باید آماده تصرف کارخانه‌ها و اداره شورایی آنها گردید و باید دنیایی کارهای دیگر کرد.



## گزیده‌ای از مطالب کانال تلگرام «علیه سرمایه»

۱۳ دی ۱۳۹۶

خیابان‌های مشهد، شاهرود، کاشمر، نیشابور و سایر شهرهای بزرگ ایران یک بار دیگر، شاهد موج پرخروش نارضایی و جنگ و ستیز شما با قوای سرکوب دولت درنده سرمایه‌داری ایران شده است. یک چیز را شما بسیار عمیق تر، بهتر و شفاف‌تر از هر کس می‌دانید. همه شما زیر فشار فرساینده گرسنگی، بی‌خانمانی، فقر و گورخوابی به خیابان ریخته‌اید. نظام انسان ستیز سرمایه‌داری کوه فلاکت و محرومیت را بر سرتان آوار کرده است. آخرین روزنه‌های امید به زنده بودن را بر روی شما و فرزندانتان بسته است. جامعه از سرمایه‌های حاصل استثمار شما مالا مال است. شما تولید نموده‌اید اما محصول کار و تولید شما، سرمایه طبقه سرمایه‌دار شده است و همین طبقه مالک سرمایه‌ها برای کسب سودهای افزون‌تر و سرمایه‌های کوه آس‌تر شما را به ورطه فلاکت و ذلت کنونی انداخته است. شما به خیابان‌ها ریخته‌اید تا فریاد اعتراض سر دهید. تا اینجا، تا لحظه ابراز قهر و خشم و عصیان دقیقاً خود شما هستید که راه کارزار را پیش گرفته‌اید و چه کار بسیار زیبا، ارزنده و پر عظمتی که انجام داده‌اید. مشکل اساسی اما از این جا به بعد آغاز می‌گردد. از همین لحظه و حتی از دقایق ماقبل اشتعال و انفجار شما، خیل کثیر گفتاران زشت، فرصت‌طلبان، مافیاهای مردارخوار تشنه سود و قدرت و حکومت بر سر راه خروج شما از منزل صف کشیده‌اند. آنها به صف شده‌اند تا کل موج خشم و قهر و اعتراض شما را به سرقت برند و بادبان کشتی به گل نشسته سودجویی، قدرت طلبی و حکومت

خواهی خویش سازند. همه می خواهند قدرت پیکار انسانی استثمار ستیز و ضد سرمایه داری شما را قدرت منحنی ضد بشری حزب و گروه و باند و مافیای خود کنند. سلطنت طلبان هار و درنده، اصلاح طلبان ناراضی بی شرم، بازمانده های رسوای احزاب اردوگاهی، گروه های مختلف تشنه حاکمیت و قدرت با بیرق های رنگارنگ و نام های گوناگون راست و چپ، همه و همه با تمامی قوا آماده مصادره توان اعتراض و ستیز طبقاتی شما و تبدیل آن به ساز و برگ ماشین کهنه قدرت جویی خود هستند. امواج پرخروش پیکار شما باید از خطر چپاول و تاراج این باندها و احزاب مصون ماند، باید قدرت زلال پیکار شما باقی ماند. برای این کار باید توسط خود شما سازمان یابد، باید در خدمت تحقق اهداف عاجل روز شما قرار گیرد، باید از تمامی امکانات موجود برای بالندگی، آگاهی، انسجام و شکوفایی ضد سرمایه داری شما استفاده کند. باید حول مطالبات مهم و اساسی طبقاتی شما سنگر گیرد. شما از فشار گرسنگی و شدت استثمار سرمایه به ستوه آمده و راه کارزار پیش گرفته اید. باید خواستار تحقق فوری یک سطح متعالی معیشت، بهداشت و درمان و آموزش سراسر رایگان، مسکن مناسب بدون هیچ اجاره، امحاء کامل کار کودکان و سایر حقوق سلاخی شده انسانی خود گردید. باید خود را شورایی سازمان دهید، یک قدرت متحد شورایی کارگری شوید، این قدرت را علیه سرمایه اعمال کنید، باید هسته رویای یک قدرت طبقاتی آگاه شورایی سرمایه ستیز گردید. خروش قهر و عصیان روز شما باید ساز و کار رشد یک جنبش شورایی ضد سرمایه شود.

\*\*\*\*\*

۱۰ دی ۱۳۹۶

هم زنجیران عاصی خشمگین در خیابان ها! بدون اینکه بدانیم کی هستیم، علیه چه می جنگیم، چه می خواهیم و چگونه باید بجنگیم، هیچ کاری از پیش نخواهیم برد. مثل دوره های پیش شکست می خوریم، غرامت سنگین می پردازیم. پس با بیشترین درایت ممکن به خاطر آوریم که:

- ۱) کل ما از شاغل و بیکار، زن و مرد، پیر و جوان، در سن کار یا بازنشسته، با هر میزان تحصیل همه و همه کارگیریم.
- ۲) زیر فشار بیکاری، گرسنگی، بی‌مسکنی، بی‌دارویی، همه اشکال نابرابری و دنیای محرومیت‌ها به خیابان ریخته‌ایم.
- ۳) ریشه کل این سیه‌روزی‌ها، محرومیت‌ها و ستم‌کشی‌ها در وجود سرمایه‌داری است. ما نسل بعد از نسل کار کرده و استثمار شده‌ایم، حاصل استثمار ما کوهساران عظیم سرمایه طبقه سرمایه‌دار و شالوده قدرت و حاکمیت این طبقه شده است. جمهوری اسلامی با همه وحوش اصول‌گرا و اصلاح‌طلبش، دولت درنده و حمام خون‌سالار این طبقه است.
- ۴) مبارزه ما در خیابان‌ها، ادامه مستقیم پیکارهای پیشین ما در کارخانه، بیمارستان، دانشگاه و سایر مراکز کار است.
- ۵) به خیابان‌ها ریخته‌ایم تا با قدرت پیکار خود سرمایه‌داران و دولت آنها را مجبور به حداکثر عقب‌نشینی‌ها سازیم. کاری کنیم که: دریافتی ماهانه هیچ کارگر مقیم جامعه و متولد هر کجای این دنیا، شاغل یا بیکار از ۴ میلیون تومان کمتر نباشد. کل کودکان مستمری ماهانه دریافت دارند. کار خانگی محو شود و پیش از آن زنان موسوم به خانه دار از دریافتی کامل یک کارگر برخوردار باشند. مطالبات معوقه کارگران اعم از شاغل یا بازنشسته فوری پرداخت شود. کل خانه‌های خالی تحت مالکیت سرمایه‌داران بلادرنگ در اختیار کارگران بدون مسکن قرار گیرد. دارو، درمان، آموزش و تمامی امکانات درمانی و آموزشی به طور کامل رایگان شود. کار کودکان ملغی گردد. کلیه کارخانه‌ها و مراکز کار در حال تعطیل به تصرف کارگران در آید. بساط حجاب اجباری زنان برای همیشه برجیده شود. اختیارات زن و مرد در کلیه مسائل اجتماعی و امور فرزندان برابر گردد. کلیه زندانیان کارگر و همه اسیران سیاسی آزاد شوند، آلودگی‌های زیست محیطی محصول وجود سرمایه‌داری ریشه کن شود و ...
- ۶) جنبش ما قرار است در خدمت تحمیل خواسته‌های فوق و مطالبات اساسی دیگر بر سرمایه‌داران و دولت آنها باشد. برای این کار باید به یک قدرت متشکل کارگری تبدیل

گردیم. باید همه آحاد ما دست به کار معماری و برپایی این قدرت شویم. باید کلیه موانع ظهور، رشد و بلوغ این قدرت را از سر راه خود جاروب کنیم. باید هر سلطنت طلب بی شرم، اصول گرای درنده یا اصلاح طلب فریبکار را از صفوف خود طرد کنیم.

(۷) ظرف قدرت ما فقط شوراهای کارگری ضد سرمایه داری است. شوراهایی که سنگر حضور، دخالت گری فعال و آگاه و آزاد و برابر همه ما باشد، شوراهایی که بر حزب سازی، کمیته آفرینی و سندیکابازی مهر ابطال کوبند، شوراهایی که هیچ نیروی بالای سر خود را تحمل نکنند و فقط به قدرت پیکار ضد سرمایه داری کارگران متکی باشند.

(۸) راه اعمال قدرت ما تعطیل چرخه کار و تولید در کارخانه ها، مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها، شبکه های تأمین برق بنگاه ها و تراست های سرمایه داری، جاده های تجاری، خطوط دریایی و هوایی، بنادر، بانک ها، ادارات و همه مراکز کار و تولید است. برای فلج ساختن کامل نظم اقتصادی سیاسی، اجتماعی و نظامی سرمایه، باید تظاهرات خیابانی و اعتصابات وسیع در همه مراکز یاد شده را به هم پیوند زنیم.

بیائید به عنوان کارگران دست در دست هم نهیم. شوراهای ضد سرمایه داری خود را بر پا داریم، یک قدرت سراسری، شورایی شویم، این قدرت را بر سرمایه داران و دولت آنها اعمال کنیم. مطالبات عاجل خود را محقق سازیم، در ادامه پیکار، دولت سرمایه را ساقط کنیم و آماده کارزار بعدی و اساسی برای نابودی کامل سرمایه داری گردیم.

\*\*\*\*\*

۱۳ دی ۱۳۹۶

خیابان ها اینک میدان انفجار خشم و نارضایی ما توده های کارگر است. به خیابان ریخته ایم زیرا گرسنه ایم، برهنه ایم، بیکاریم، آواره و بی خانه ایم، کارتن خوابیم، بدون دکتر و دارو و درمان هستیم، کودکان ما فاقد مدرسه، معلم و امکانات تحصیلی هستند. زنان طبقه ما زیر فشار

تبعیضات انسان‌ستیزانه جنسی قرار دارند و مجبور به تحمل حجاب اجباری شده‌اند. بچه‌های خردسال ما در سیاه چال‌های تولید سود استثمار و سلاخی می‌گردند. کل ما به محض سر دادن صدای اعتراض علیه شدت استثمار سرمایه دستگیر و زندانی می‌شویم. در زندان‌ها شکنجه و محکوم به وحشیانه‌ترین شکل مرگ تدریجی می‌گردیم. ما چنین وضعی داریم و زیر شلاق مرگ‌آور این وضعیت در خیابانها هستیم. به خیابان‌ها آماده‌ایم تا اعلام کنیم که:

(۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام داشته است که سهم متوسط هر خانوار ایرانی از محصول اجتماعی سالانه کشور بالای ۴ میلیون تومان است. این رقم درصد بسیار نازلی از کوه سرمایه‌ها، سودها یا ارزش‌هایی است که طبقه ما هر ماه تولید می‌کند. ما از همین امروز تصریح می‌کنیم که هیچ خانواده کارگری سه نفری نباید کمتر از ۴ میلیون تومان در ماه دریافتی داشته باشد.

(۲) کل مطالبات معوقه ما اعم از شاغل یا بازنشسته باید فوری پرداخت شود.

(۳) بهداشت و دارو و درمان و دستیابی ما به کل امکانات پزشکی باید به طور کامل رایگان شود.

(۴) آموزش باید در کلیه سطوح تحصیلی از دبستان تا دانشگاه رایگان گردد.

(۵) الغاء کامل کار کودکان را محقق خواهیم ساخت.

(۶) در هر کدام از شهرها هزاران یا صدها هزار خانه خالی در مالکیت سرمایه‌داران جنایتکار است. ما حق مسلم خود می‌دانیم که این خانه‌ها را تصرف و بدون پرداخت هیچ ریال، محل سکونت خود و در وهله نخست آوارگان و کارتن‌خواب‌های طبقه خود سازیم.

(۷) ما حق مفروض و بدون هیچ اگر و امای خویش می‌بینیم که کلیه کارخانه‌ها و مراکز کار در حال تعطیل را تصرف کنیم و برنامه‌ریزی کار و تولید آن‌ها را به دست گیریم.

(۸) زنان و دختران طبقه ما حجاب اجباری موهن دولت درنده اسلامی را به دور می‌ریزند.

(۹) کلیه زندانیان سیاسی را آزاد می‌کنیم.



۱۰) در همه مراکز کار با اعتصاب خویش سرمایه‌داران و دولت آنها را مجبور به قبول خواست‌های خویش می‌کنیم.

۱۱) توقف هرگونه تولید در روزهای تعطیل (جمعه و شنبه) برای سالم کردن هوای شهرها، این روزهای تعطیل می‌بایست با حقوق باشد.

۱۲) برای تحقق این هدف‌ها و پیشبرد پیکار خود شورائی و ضد سرمایه‌داری متشکل می‌گردیم.

۱۳) ما با اعلام آمادگی کامل برای این کارها از همه هم‌زنجیران می‌خواهیم که مزدوران سلطنت‌طلب و سایر عوامل ارتجاع‌ها را بورژوازی را از صفوف خود طرد و منزوی سازند.

هم‌زنجیران! دست در دست هم گذاریم. شورایی، سراسری و ضد سرمایه‌داری متشکل گردیم.

\*\*\*\*\*

۱۲ دی ۱۳۹۶

رسم کل بخشها، رویکردها و احزاب طبقه سرمایه‌دار از وحوش درنده سلطنت‌طلب گرفته تا چپ‌نمای مدعی پرچمداری «سوسیالیسم»!! آنست که همه جا دست به کار رهبرآفرینی و داغ ساختن بازار رهبری فروشی در میان توده کارگر باشند. دلیلش عریان است. اولاً، آنها کارگران را مشت‌های «لایتفکرون»!! دنبال یک لقمه نان، قاصر از فهم آزادی و دموکراسی و مدنیت می‌بینند!! آدم‌هایی مفلوک که آفریده شده‌اند تا تأمین خوشبختی آنان، موضوع رسالت رهبران و قهرمانان باشد!! ثانیاً کل آنها در جستجوی سهم دلخواه در مالکیت و حاکمیت سرمایه‌اند. طیف ناهمگون این جماعت زمانی که شریک قدرت نیستند یا از میزان سهم خود در مالکیت و حاکمیت سرمایه‌داری ناراضی می‌باشند، راه حصول هدفهای خود را، سوار شدن بر موج نارضایتی توده‌های کارگر برای تسویه حساب با رقبای طبقاتی در یک سو و رفع خطر

این موج از سر سرمایه‌داری می‌بینند. به اطراف خود نظر اندازیم. به محض طغیان قهر کارگران گرسنه و آواره در خیابان‌ها، ناگهان صدای همه اینها، حتی مافیای انسان ستیز سلطنت طلب به آسمان رفت که این جنبش فاقد رهبری است، سر ندارد، از نعمت ناجیان بی‌بهره است. باید رهبری آن را به دست گرفت!! همه این باندها، تنها رابطه‌ای که میان خود و جنبش جاری کارگران در خیابانها می‌بینند، رابطه رهبر این جنبش شدن، مصادره قدرت کارگران و به کارگیری این قدرت در تقویت موقعیت حزب، باند و جریان خود به زیان رقیبان است.

در مقابل این طیف نیروهای طبقه سرمایه‌دار از راست تا چپ، سلطنت طلب تا جمهوری خواه، دینی تا لائیک، باید هشیار بود. باید همه راه‌های نفوذ آنها در جنبش خود را سد سازیم. برای این کار باید ثابت کنیم که عمیق‌تر از هر کس می‌دانیم چرا قیام کرده‌ایم. می‌دانیم که ریشه‌های واقعی گرسنگی و ستم‌کشی ما در بردگی مزدی، در جدا بودن از کار، حاصل کار و پروسه تعیین سرنوشت کار و زندگی خویش است. باید نشان دهیم که این شناخت را داریم و با داشتن این شناخت، راه حصول خواستها، انتظارات و رهایی خود را نه در آویختن به این و آن، نه در نیش قبر رضاخان‌های جلاد یا هر نیروی دیگر آماده سرقت جنبش ما، نه در ایران، ایران گفتن و غلطیدن در باتلاق کثیف ناسیونالیسم که فقط در جنگ هر چه آگاه‌تر و سازمان‌یافته‌تر علیه سرمایه‌داری می‌بینیم. باید اعلام کنیم که برای پیشبرد این کارزار فقط یک راه داریم. اینکه خودمان شورایی و ضد سرمایه‌داری متشکل می‌گردیم. یک قدرت عظیم کارگری و شورایی و تاریخ‌ساز می‌شویم. با قدرت روز خود سهم هر چه عظیم‌تر از حاصل کار و تولید خویش را از چنگ سرمایه‌داران و دولت آنها خارج می‌سازیم. نظم اقتصادی و سیاسی سرمایه را در هم می‌ریزیم. ساختار حاکمیت و دولت سرمایه را مفلوک‌تر و مفلوک‌تر می‌کنیم، پیکار را بدون انقطاع، ضد سرمایه‌داری تر، گسترده تر، شورایی تر و سراسری تر ادامه می‌دهیم و سرانجام سرمایه‌داری را نابود می‌سازیم.



